



هنوز صدا و سیما مخاطب‌هایش قابل مقایسه با درگاه‌های دیگر نیست  
اما از این ظرفیت به خوبی استفاده نمی‌شود. همین فردا صدا و سیما  
اراده کند می‌تواند ۶۰ میلیون تماشاگر را پای تلویزیون بنشاند  
اما تمام تلاش VOD ها می‌تواند به ۶ میلیون تماشاگر برسد.  
باید کاری کرد که از این ظرفیت بهتر و بیشتر استفاده شود

## وخم‌های سریال‌سازی

# تشخیص بالا می‌خواهد



## ظرفیت تلویزیون با هیچ پلتفرمی قابل مقایسه نیست!

از حامد عنقا در مورد مهاجرت سریال‌سازان به پلتفرم‌های دیگر سوال کردیم و بعد بحثمان به تغییر و تحول در ساختار سریال‌سازی تلویزیون رسید. عنقا که خودش تجربه کار در VOD ها را دارد و تلویزیون را هم به خوبی می‌شناسد نظرات جالبی در این حوزه داشت. البته او برای بهبود شرایط راه حل نه چندان کوتاه مدتی هم ارائه کرد.

مقایسه با درگاه‌های دیگر نیست اما از این ظرفیت به خوبی استفاده نمی‌شود. همین فردا صدا و سیما اراده کند می‌تواند ۶۰ میلیون تماشاگر را پای تلویزیون بنشاند؛ اما تمام تلاش VOD ها می‌تواند به ۶ میلیون تماشاگر برسد. باید کاری کرد که از این ظرفیت بهتر و بیشتر استفاده شود. کار ساده‌ای نیست و هر قدر بیشتر زمان بگذرد سخت‌تر خواهد شد. به طوری که اگر همین امروز به این اراده و تصمیم به ویژه در حوزه نمایشی و ساخت سریال برسند حداقل به دو سه سال زمان بابت اجرایی شدن آن نیاز است تا بتوان نخستین آثار را در ساختار جدید به پخش رسانند.



چرا فیلم‌سازان مطرح به سمت شبکه نمایش خانگی گرایش پیدا کردند؟  
وقتی سریال‌ساز مطرحی کاری می‌سازد که مدیران به آن علاقه ندارند خب آن فیلم‌ساز که کارش را متوقف نمی‌کند؛ کارش را در بستری به نمایش درمی‌آورد که آن را دوست داشته باشند. یک روزی مدیران رسانه دنبال این بودند فلان کارگردان سینما که کارش موفق شده و می‌فروشد، او را برای ساخت سریال جذب کنند. اما الان این طور نیست!  
در این زمانه‌ای که درگاه‌های بسیاری مانند فضای مجازی، شبکه‌های خانگی، ماهواره و... وجود دارد که با محتواهای تولید شده و در حال تولیدشان تلاش می‌کنند از یکدیگر سبقت گرفته و مخاطب‌های بیشتری را به سمت خودشان جذب کنند، تلویزیون برای این موضوع چه کار باید کند؟  
دو کار می‌شود کرد. یکی این که فقط امید داد که درست می‌شود بدون آن که ایده و تلاشی صورت گیرد. دیگر این که در کنار امید برای بهبود تلاش کرد. آیا می‌دانید چه کسانی هر دوی این کارها را با هم انجام می‌دهند؟ آن کسی که به قول معروف ریشش گروی کار است یا عاشق آن است. دیگر آن دوره‌ای که بگوییم هیچ کدام را نگاه نکنید فقط من را نگاه کنید گذشته است. در حالی که هنوز صدا و سیما مخاطب‌هایش قابل

در پشت صحنه هیچ سریالی را نداشته است. الان بعضا سریال‌هایی ساخته می‌شود که هیچ کدام از عوامل آن شناخته شده نیستند و رزومه خاصی هم در کارنامه‌شان وجود ندارد. این کار که پشت آن تجربه‌ای وجود ندارد و افراد با تجربه‌ای نیز در آن دخیل نیستند تا مشورتی هم در این میان بدهند چطور می‌تواند موفق شود؟ سریال‌سازی با فیلم‌سازی خیلی فرق می‌کند. ممکن است در یک فیلم سینمایی این اتفاق رخ دهد اما سریال ساختن دنیای متفاوتی در مقایسه با فیلم سینمایی دارد. در سریالی که هیچ فرد باتجربه و شناخته شده‌ای وجود نداشته باشد کار موفقی در نخواهد آمد؛ مگر آن که استثنا پیش آید که تا به حال پیش نیامده است.

در این حوزه نسبت به گذشته چه تغییراتی رخ داده؟  
در گذشته فردی که می‌خواست سریالی بسازد از خودش عقبه‌ای نشان می‌داد و آن وقت مدیر احساس می‌کرد استعداد دارد. مثلا دستیار کارگردانی که توانایی سریال‌سازی در او دیده شود موقعیتی به او می‌دهند تا بتواند سریالی را به صورت مستقل بسازد. از این دست اتفاقات هم کم نیفتاده و کارگردان‌های بزرگی هم از میان آنها رشد و نمو یافتند. کارگردان‌های جوان و موفق از این دست داشته‌ایم. یک کارگردان جوانی هم وجود دارد که بر حسب تصادف گذرش به صدا و سیما افتاده و حالا هوای سریال‌سازی نیز به سرش زده است در صورتی که اصلا تجربه حضور

که حداقل در گذشته مخاطب‌هایشان درگیر می‌شدند.  
چرا آن زمان خوب بوده؟ برای آن که نویسنده، تهیه‌کننده، کارگردان، مدیر و... سعی می‌کردند آن چیزی که جامعه آن زمان می‌طلبیده را تهیه کنند و بهترین کارشان را انجام دهند. در حال حاضر یکی از این عوامل عقب هستند. وقتی نویسنده یا کارگردان یا تهیه‌کننده عقب باشد ممکن است نتیجه یک کارشان بد از آب درآید و اشتباهاتی داشته باشد، اما وقتی چند کار پشت سر هم اشتباه باشد آن وقت است که نشان می‌دهد چه کسی عقب است. همین موضوع موجب می‌شود افراد باتجربه و کاربلد عقب بنشینند.  
افراد تازه‌کاری که وارد این حوزه می‌شوند چه شرایطی دارند؟ به نظر شما

استقبال نکند و برعکس. شاید آن زمان میزان علم، دانش، ادراک و نگاه امروزی که در مخاطب وجود دارد وجود نداشته و حالا که مخاطب دارای این ادراک عمیق‌تر شده دیگر آثار این کارگردان دیدنی نباشد. کما این که اگر الان برخی از سریال‌های موفق گذشته دیده شود خواهید دید آنقدرها هم دیدنی نبوده که آن زمان با چنان بازخوردی مواجه شده بودند.  
در هر صورت تمام اثرهای ساخته شده حتما نباید برای طول تاریخ اثرگذار و ماندگار باشند. آثاری که در همان زمان خودشان هم خوب باشند کفایت می‌کنند. اما ما در زمانه‌ای قرار داریم که همان سریال‌های ساخته شده نیز مخاطب‌های امروز دوران خودشان هم را با خود درگیر نمی‌کند. این در حال است

که قدرت تشخیص این را دارد که چطور بتواند از یک فرد، چهره‌ای تازه خلق کند استفاده نمی‌شود. به نظر من یا باید به آنچه مدیر می‌گوید و دیکته می‌کند عمل کرد یا اصلا کار نکرد. دیگر حد وسطی در میان نیست. اما کارگردان‌های موفقی بوده‌اند که با وجود داشتن کارنامه‌ای قابل قبول در حال حاضر سریال‌هایی می‌سازند که به هیچ عنوان قابل قبول نبوده و نمی‌توان این میزان از پس‌رفت را از یک کارگردان شناخته شده پذیرفت. کارگردان وقتی کاری را می‌سازد عوامل دیگری مثل مکان و زمان و سایر موارد دیگر هم در دیده شدن آنها اثر می‌گذارد. برای همین ممکن است این کارگردان مطرح به دلیل عوامل دیگر به جز توانایی‌هایش در شرایطی سریال بسازد که مخاطب آن را دوست نداشته و از آن

سند کمپانی و برگ سبز سواری پژو ۲۰۶، مدل ۱۳۸۷، رنگ خاکستری متالیک، شماره موتور 14187001435، شماره شاسی NAAP03ED88J000758 و شماره پلاک ۳۴۹ ق ۱۸ ایران ۴۶ به نام علی قنبری سائل صدیق مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی رنو لوگان ۱.۹۰، مدل ۸۷، رنگ مشکی، شماره موتور NAPLSRLD81033290 و شماره شاسی K4MA690D043577 به نام سجاد کامل‌مرد مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پراید جی تی ایکس آی، مدل ۱۳۸۷، به رنگ نوک مدادی متالیک، شماره انتظامی ایران ۱۳-۲۵۶ م ۸۶، شماره موتور 2377814، شماره شاسی S1412287742361 به نام رضوان فخرینیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودروی سواری کامیون کشنده سیستم ماک تیپ R685ST رنگ سفید-روغنی مدل ۱۹۷۵ به شماره پلاک ایران ۲۵-۳۲۶ ع ۱۷ شماره موتور 9X4625 شماره شاسی 051632 به نام احد زواریه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.